

26 words per day

Day 29

Word	Meaning
A tract	جلب کردن، مجذوب ساختن
B roken	شکسته، منقطع، منفصل، نقض شده
C urb	فرو نشاندن، محدود کردن، زنجیر
D ue	ناشی از، مقتضی، قابل پرداخت
E xplode	منفجر شدن، ترکیدن، گسترده کردن
F ur	خز، جامه خردار، پوستین، خردار کردن
G rab	ربودن، قاپیدن، گرفتن، توقیف کردن
H eavily	به سنگینی، زیاد، با افسردگی
I ssue	شماره، موضوع، نسخه، صادر کردن
J	
K	
L ump	توده، غده، کلوخه، قلبه، قلبه کردن
M uscle	ماهیچه، عضله، نیروی عضلانی
N oisy	پرخش، پر سر و صدا، شلوغ
O wner	مالک، دارنده، صاحب، دارا بودن
P unish	ادب کردن، مجازات کردن، کیفر دادن
Q	
R oof	پوشش، سقف، بام، سقفدار کردن
S witch	تعویض، گزینه، کلید برق، راه گزیدن
T ypical	نوعی، یک نمونه بارز، سرمشق
U rgent	فوری، ضروری، مبرم، اصرار کننده
V ariety	تنوع، گوناگونی، نوع، جورواجور
W hatever	هرچه، آنچه، هرقدر
X	
Y	
Z	